✦

مسیح مغان

THE MAGI MESSIAH

سفری هنری در پی‌گیری ستارهٔ بیت‌لحم

از نگاه شاهکارهای نقاشی جهان — هر نقاشی، یک الهیات

سفری که نیاکان ما، مغان زرتشتی، دو هزار سال پیش در پی ستاره آغاز کردند، تا در برابر نور جهان — عیسی مسیح — به خاک افتند و او را به عنوان پادشاه آسمانی بپرستند

آنها (مغان) به خانه درآمدند و آن طفل را با مادرش مریم یافتند و به زمین افتاده، او را پرستش نمودند و گنجینه‌های خود را گشوده، هدایایی از طلا و کندر و مُر به او تقدیم کردند

انجیل متی ۲

مقدمه: آغازِ سفرِ گمشده

ای فرزند ایران، ای وارث مغان،

در دل شب‌های سرد تاریخ، میان کویرهای پهناور و کاخ‌های باشکوه، در روزگاری که ایران زمین در اوج شکوه خود بود رویدادی رخ داد که هرگز نباید فراموش می‌شد. اما شد .ما، ایرانیان، دو هزار سال پیش نخستین ملتی بودیم که در برابر نور جهان زانو زدیم. کاهنان ما، مغان زرتشتی (اشکانی)، نگهبانان آتش مقدس، ستاره‌شناسانی که اسرار آسمان را می‌دانستند، ستاره‌ای را در مشرق دیدند که هرگز ندیده بودند. و می‌دانستند: این ستاره، از آنِ این جهان نیست .پس سفر کردند. نه به دنبال قدرت، نه به دنبال ثروت، نه به دنبال شکوهی که از آنِ خودشان بود. سفر کردند از تخت‌جمشید تا بیت‌لحم، از آتشکده تا آخور، از شکوه ایران تا فروتنی یک نوزاد. و هنگامی که رسیدند، آنچه یافتند چنان بود که در برابر آن به خاک افتادند و پرستیدند .آری، نیاکان ما، پیش از هر ملت دیگری، مسیح را شناختند.

داستانی که در انجیل ثبت شد، اما در حافظه ما گم شد انجیل متی می‌گوید:

در روزگار هیرودیس پادشاه، چون عیسی در بیت‌لحم یهودیه زاده شد، مغانی از مشرق زمین به اورشلیم رسیدند و پرسیدند: «پادشاه یهودیان که تازه متولد شده کجاست؟ زیرا ستاره‌اش را در مشرق دیدیم و آمدیم تا او را پرستش کنیم . متی ۲-۲:۱

این، تنها یک روایت تاریخی نیست. این، دعوتی الهی است که در همان آغاز داستان مسیح، مستقیماً به سوی ایران گسیل شد. خداوند کوروش، ایران را برگزید تا نخستین شاهد غیریهودی بر هویت کامل مسیح باشد:

- **طلا** —برای پادشاهی او
- **کندر** —برای الوهیت او
- **مُر** —برای قربانی او (بر صلیب)

در آن شب سرد در بیت‌لحم، نیاکان ما نه فقط هدایا، بلکه ایمان خود را و ایمان نسل‌های آینده را در پای مسیح نهادند.

چرا این گنج فراموش شد؟

این پرسش، دردی کهن در دل تاریخ ماست. پس از اسلام آوردن ایران در سدهٔ هفتم میلادی، روایت‌های پیش از اسلام به تدریج از مرکزیت به حاشیه رانده شدند. زرتشتی‌گری، که زمانی دین رسمی کشور بود، به اقلیتی تبدیل شد و خاطرهٔ پیوند ایران با مسیح کمرنگ گشت .اما امروز، ستاره دوباره طلوع می‌کند .در دهه‌های اخیر، با افزایش دسترسی ایرانیان به منابع تاریخی و الهیاتی، و با رشد جنبش‌های مسیحی ایرانی در داخل و خارج از کشور، این داستان گمشده دوباره کشف می‌شود. بسیاری از ایرانیان مسیحی امروز، خود را ادامه‌دهندگان راه مغان می‌دانند، نه به این معنا که به دینی بیگانه گرویده‌اند، بلکه به این معنا که سفری را ادامه می‌دهند که نیاکانشان دو هزار سال پیش آغاز کردند.

ایرانیِ راستین کیست؟

در اینجا، پرسشی بنیادین مطرح می‌شود :ایرانیِ راستین کسی نیست که فقط در سرزمین ایران زاده شده باشد، نه کسی که تنها به زبان فارسی سخن بگوید، و نه کسی که صرفاً به فرهنگ یا دینِ نیاکانش چنگ زند.

ایرانیِ راستین کسی است که آنچه در عمق جانِ ایرانی بوده تشنهٔ نور، جویای حقیقت، و امیدوار به رستگاری، در مسیح بیابد، و در او، هم به اصل خویش بازگردد، هم به کمالی برسد که هیچ‌گاه نمی‌توانست به تنهایی بدان دست یابد .انجیل هویت را نابود نمی‌کند، آن را نجات می‌دهد .ایرانیِ راستین، ایرانی‌ای است که در مسیح، به تمام آنچه ایران در حسرتش بود، رسیده است.

چرا این کتابچه؟

هنر نقاشی، زبان جهانی‌ست که می‌تواند عمق عشق و شگفتی دیدار مغان با مسیح را به تصویر بکشد. هر اثر هنری در اینجا، نگاهی تازه به آن لحظهٔ مقدس است: لحظه‌ای که انسان‌هایی از مشرق، در برابر نور جهانی زانو زدند. در طول بیش از شش قرن، بزرگ‌ترین استادان نقاشی جهان — از جنتیله د فابریانوی ایتالیایی گرفته تا رامبراند هلندی — موضوع «پرستش مغان» (Adoration of the Magi) را بارها و بارها به تصویر کشیده‌اند. هر یک با زبان هنری خود، بخشی از این راز بزرگ را آشکار ساخته‌اند. در این کتابچه، شما را به سفری هنری می‌بریم تا با چشم دل، آن لحظهٔ شگفت‌انگیز را ببینید لحظه‌ای که حکمتِ شرق، در برابر نورِ جهان زانو زد.

چرا هنرمندان اروپایی این داستان را نقاشی کردند؟

در میان همه‌ی داستان‌های کتاب مقدس، «پرستش مغان» تنها موضوعی بود که تاج، ثروت و قدرت را با فروتنی می‌آمیخت؛ پادشاهانی که در برابر یک نوزاد زانو می‌زدند. و از سوی دیگر، شرق را به عنوان مهد تمدن و حکمت به مرکز توجه تبدیل می‌کرد؛ سرزمینی که برای هنرمندان غربی، اسرارآمیزترین نقطه‌ی جهان بود. بنابراین، اروپایی‌ها آن را می‌کشیدند چون نه فقط «داستان یک نوزاد»، بلکه «داستان آینده‌ی جهان» بود و هر هنرمندی می‌خواست با قلم‌موی خودش در آن آینده سهمی داشته باشد.آن‌ها چهرهٔ پادشاهان، بانکداران و اشراف خودشان را در جایگاه مغان می‌نشاندند، خانواده‌هایی مثل مدیچی از این فرصت استفاده کردند تا چهرهٔ خودشان را در نقش مغان یا همراهانشان بکشانند هم فروتنی مذهبی نشان می‌دادند، هم عظمت خانوادگی خود را جاودانه می‌کردند. آن‌ها «صحنهٔ پرستش» را با مهارت به تصویر کشیدند، اما «روحِ پرستش» آن ایمان خالص، آن سفر طولانی از دل آتشکده‌ها، آن حسِ عجز و فروتنی در برابر نوری که فراتر از درکشان بود، رد کم‌رنگ‌تری در قلم‌مویشان بر جای گذاشته بود. آن‌ها راز را نقاشی کردند؛ اما آیا صاحب راز هم بودند؟این صحنه، ترکیبی نادر از تقاضای نهادی (کلیسا)، منفعت شخصی (حامیان مالی)، فرصت فنی (برای نقاش)، و عمق الهیاتی (برای مخاطب) بود و دقیقاً همین ترکیب است که آن را به یکی از پرتکرارترین موضوعات تاریخ هنر غرب تبدیل کرد.

✦

بخش اول

آغاز رنسانس

نقاشی‌های اولیه و گوتیک بین‌المللی

1. پرستش مغان — جنتیله د فابریانو (۱۴۲۳ میلادی)
2. پرستش مغان — فرا آنجلیکو و فرا فیلیپو لیپی (۱۴۴۰–۱۴۶۰ میلادی)
3. جوتو دی بوندونه (Giotto di Bondone) — ایتالیا | حدود ۱۳۰۵ میلادی

1. پرستش مغان

جنتیله د فابریانو (Gentile da Fabriano) — ایتالیا | **۱۴۲۳ میلادی**

جنتیله د فابریانو — پرستش مغان (۱۴۲۳ میلادی)



دانلود تصویر با کیفیت بالا (Wikimedia Commons)

این اثر، شاهکار مسلم «گوتیک بین‌المللی» و اوج تجمل و شکوه در نقاشی اوایل رنسانس ایتالیاست. طلای زرین، رنگ‌های گرم، و پارچه‌های گران‌بهای شرقی، تمام تابلو را در برگرفته‌اند. جنتیله با ظرافتی بی‌نظیر، سه لحظه‌ی کلیدی از سفر مغانان را در یک قاب به تصویر کشیده است: کاروانی که از دور در کوهستان‌ها در حرکت است، لحظه‌ی یافتن مریم و عیسی در مرکز، و صحنه‌ی تقدیم هدایا در پیش‌زمینه. پالا استروزی، بانکدار و حامی هنری فلورانسی، با کلاه قرمز در سمت چپ صحنه دیده می‌شود. این تابلو امروزه در گالری اوفیتزی فلورانس نگهداری می‌شود و نمادی ماندگار از پایان عصر قرون وسطی و آغاز عصر جدید در هنر است.

> **تأمل:** *طلا در این تابلو فقط یک فلز نیست؛ نماد پادشاهی است. وقتی مغان ایران طلا را به عیسی تقدیم کردند، نه فقط ثروت خود را بخشیدند، بلکه تاج پادشاهی خویش را به پای او نهادند. ایرانیِ راستین آن کسی است که تمام آنچه دارد — ثروت، فرهنگ، هویت — را در پای مسیح می‌گذارد، و می‌بیند که مسیح نه هویت او را می‌رباید، بلکه آن را تاج‌وار می‌کند.*

جزئیات: پنل چوبی با رنگ‌روغن و طلا | ۳۰۰ × ۲۸۲ سانتی‌متر | گالری اوفیتسی، فلورانس، ایتالیا

2. پرستش مغان

فرا آنجلیکو و فرا فیلیپو لیپی (Fra Angelico & Fra Filippo Lippi) — ایتالیا | **۱۴۴۰–۱۴۶۰ میلادی**

فرا آنجلیکو و فرا فیلیپو لیپی — پرستش مغان (۱۴۴۰–۱۴۶۰ میلادی)



← دانلود تصویر با کیفیت بالا (Wikimedia Commons)

این تابلوی گرد (توندو)، که با ظرافت بی‌نظیر در قالب یک دایره کامل طراحی شده، حاصل همکاری دو نسل از بزرگ‌ترین استادان نقاشی فلورانسی است. این اثر ابتدا توسط فرا آنجلیکو آغاز شد، اما ناتمام ماند و سال‌ها بعد توسط شاگردش، فرا فیلیپو لیپی، به پایان رسید . در این صحنه، موکبی عظیم از انسان‌ها، اسب‌ها و حیوانات در حال حرکت به سمت طفل عیسی هستند. سه مغان در پایین تابلو با فاصله‌ای برابر زانو زده‌اند و هدایای خود را تقدیم می‌کنند؛ ترکیب‌بندی متقارن آن‌ها، نمادی از کمال و وحدت روحانی است. ساختمان فروریخته و پسران

نیمه‌برهنه در بالای تابلو، اشاره‌ای نمادین به پایان جهان بت‌پرستی و آغاز عصر نورانی مسیحیت دارند. این اثر امروزه در گالری ملی هنر واشنگتن نگهداری می‌شود.

> **تأمل:** *توندو دایره‌ای بی‌انتهاست. سفر مغانان از ایران به بیت‌لحم، پایان یک سفر نبود، بلکه آغاز سفری بود که هنوز ادامه دارد. ایرانیِ راستین در دایرهٔ ایمان، نه فرهنگ خود را رها می‌کند و نه در آن محبوس می‌ماند؛ او در مسیح به کمالی می‌رسد که دایرهٔ هویتش را کامل می‌کند. ساختمان فروریخته در پس‌زمینه، بت‌پرستی را نابود می‌کند، نه هویت ایرانی را بلکه آن را در نور تازه‌ای می‌نشاند.*

جزئیات: تمپرا روی پنل چوبی | قطر ۱۳۷ سانتی‌متر | گالری ملی هنر، واشنگتن، آمریکا

3. پرستش مغان

جوتو دی بوندونه (Giotto di Bondone) — ایتالیا | حدود ۱۳۰۵ میلادی



⬅ دانلود تصویر با کیفیت بالا (Wikimedia Commons)

این فرسک بخشی از مجموعهٔ نقاشی‌های دیواری کلیسای اسکروِنی در پادوا است، یکی از نخستین تصویرگری‌های مهم صحنهٔ پرستش مغان در تاریخ هنر غرب، بیش از یک قرن پیش از جنتیله د فابریانو. جوتو در این اثر ستارهٔ بیت‌لحم را به شکل دنباله‌داری آتشین ترسیم کرده — گفته می‌شود الهام‌گرفته از رؤیت ستارهٔ هالی در سال ۱۳۰۱. این فرسک با استفاده از عمق و حجمی که پیش از آن در نقاشی ایتالیایی دیده نشده بود، مغانان را در حالتی طبیعی و انسانی، نه صرفاً نمادین، به تصویر کشیده است.

تأمل: *پیش از هر طلا و مخملی که در قرن‌های بعد بر تن مغانان نقاشی شد، جوتو آنها را چون انسان‌هایی ساده و صادق کشید — زانوزده در برابر نوری که نمی‌توانستند توضیح دهند. این، شاید نزدیک‌ترین تصویر به آنچه واقعاً در بیت‌لحم رخ داد باشد: نه شکوهی نمایشی، بلکه فروتنی خالص. ایرانیِ راستین نیز پیش از آنکه بخواهد هویت خود را با شکوه یا اثبات بیاراید، باید همان زانوزدنِ ساده و صادقِ نخستین مغان را در دل داشته باشد.*

جزئیات: جزئیات: فرسک | کلیسای اسکروِنی، پادوا، ایتالیا

✦

بخش دوم

شکوه رنسانس فلورانس

ساندرو بوتیچلی و شکوه خانوادهٔ مدیچی

4. پرستش مغان (آلتارپیس دل لاما) — ساندرو بوتیچلی (۱۴۷۵ میلادی)
5. پرستش مغان (نسخهٔ واشنگتن) — ساندرو بوتیچلی (۱۴۷۸–۱۴۸۲ میلادی)
6. دومنیکو گیرلاندایو (Domenico Ghirlandaio) — ایتالیا | حدود ۱۴۸۷ میلادی
7. دومنیکو گیرلاندایو (Domenico Ghirlandaio) — ایتالیا | حدود ۱۴۸۸ میلادی

4. پرستش مغان (آلتارپیس دل لاما)

ساندرو بوتیچلی (Sandro Botticelli) — ایتالیا | **۱۴۷۵ میلادی**

ساندرو بوتیچلی — پرستش مغان (آلتارپیس دل لاما) (۱۴۷۵ میلادی)



دانلود تصویر با کیفیت بالا (Wikimedia Commons)

بوتیچلی این شاهکار را برای کاپل گاسپاره دل لاما در کلیسای سانتا ماریا نوولای فلورانس نقاشی کرد. موضوع انجیلی پرستش مغان، به رژه‌ای از شخصیت‌های جامعهٔ فلورانس در دوران اوج قدرت خانوادهٔ مدیچی تبدیل شده است. مریم و عیسی در مرکز صحنه، زیر ستارهٔ درخشان بیت‌لحم نشسته‌اند. سه مغان، تصویری از نسل‌های مختلف خانوادهٔ مدیچی هستند: کوزیموی بزرگ (پیرمردی که زانو زده)، پیرو گوتوسو (با ردای قرمز)، و جووانی (با لباس سفید). لورنزوی باشکوه و برادرش جولیانو نیز در صحنه حضور دارند. بوتیچلی خود را نیز در گوشهٔ راست تابلو، با ردای نارنجی، به‌عنوان یک جوان بلوند نقاشی کرده است. ستارهٔ بیت‌لحم با پرتوهای طلایی در بالای تابلو، مریم و طفل را روشن می‌کند.

تأمل: *قدرتمندترین مردان فلورانس — کوزیموی بزرگ، لورنزوی باشکوه، و حتی خود نقاش — تاج و تخت خود را در پای یک نوزاد گذاشتند. این است معنای «پادشاهی» در انجیل: نه تسلط،*

بلکه فروتنی. ایرانیِ راستین آن کسی است که می‌فهمد قدرت واقعی در تسلط بر دیگران نیست، بلکه در تسلیم به مسیح است. همان‌طور که مدیچی‌ها هویت خود را نه از قدرت سیاسی، بلکه از زانو زدن در برابر نور یافتند، ایرانیِ راستین نیز هویت خود را در مسیح می‌یابد.

جزئیات: تمپرا روی پنل چوبی | ۱۱۱ × ۱۳۷ سانتی‌متر | گالری اوفیتسی، فلورانس، ایتالیا

5. پرستش مغان (نسخهٔ واشنگتن)

ساندرو بوتیچلی (Sandro Botticelli) — ایتالیا | **۱۴۸۲–۱۴۷۸ میلادی**

ساندرو بوتیچلی — پرستش مغان (نسخهٔ واشنگتن) (۱۴۸۲–۱۴۷۸ میلادی)



دانلود تصویر با کیفیت بالا (Wikimedia Commons)

این اثر، *پرستش مغان* اثر ساندرو بوتیچلی، در حدود سال ۱۴۷۵ میلادی برای کلیسای سانتا ماریا نوولا در فلورانس نقاشی شده است. صحنه در میان ویرانه‌های کلاسیک رومی-یونانی قرار دارد که نمادی از سقوط تمدن بت‌پرستی و تولد تمدن نوین مسیحی است. مریم، یوسف و طفل عیسی در مرکز صحنه نشسته‌اند؛ جالب توجه اینکه، چهره‌های مغان (سه پادشاه) تصویر چهرهٔ اعضای برجستهٔ خانوادهٔ مدیچی و شخصیت‌های سیاسی فلورانس آن زمان هستند. ترکیب‌بندی استوار، پالت رنگی غنی و استفاده از طلا در لباس‌ها از ویژگی‌های بارز این اثر به‌شمار می‌رود. این تابلو در حال حاضر در گالری اوفیتزی در فلورانس ایتالیا نگهداری می‌شود.

تأمل: *ویرانه‌های پس‌زمینه نماد سقوط تمدن‌های بزرگ است. روم فرو ریخت، یونان فرو ریخت؛ امپراتوری‌ها می‌آیند و می‌روند. اما در میان ویرانه‌ها، نوری تازه زاده می‌شود. ایرانیِ راستین آن کسی است که در میان ویرانه‌های تاریخ — شکست‌های سیاسی، فرهنگی، مذهبی — نوری را می‌بیند که هنوز می‌درخشد. انجیل نمی‌گوید تاریخ ایران را فراموش کن؛ می‌گوید در میان ویرانه‌های آن، مسیح را ببین.*

جزئیات: تمپرا و رنگ‌روغن روی پنل چوبی | ۶۸ × ۱۰۲ سانتی‌متر | گالری ملی هنر، واشنگتن، آمریکا

6. پرستش مغان (تُندوی تورنابوونی)

دومنیکو گیرلاندایو (Domenico Ghirlandaio) — ایتالیا | حدود ۱۴۸۷ میلادی



دانلود تصویر با کیفیت بالا (Wikimedia Commons)

۱. سفارش و مناسبت (تولد جووانی تورنابوونی) :این تابلوی گرد (توندو) توسط خانواده ثروتمند و قدرتمند تورنابوونی سفارش داده شد و در واقع یک اثر گران‌بها و مجلل برای جشن تولد پسرشان، جووانی تورنابوونی بود. نکته جالب این است که در پایین تابلو، بر روی کاغذی که روی زمین افتاده، عبارت لاتین "MAGNIFICAT ANIMA MEA"نوشته شده است که به‌عنوان یک دعای شکرگزاری بابت این تولد تلقی می‌شود.

۲. ویرانه‌های کلاسیک رومی :معماری پس‌زمینه (طاق‌های بزرگ و ستون‌های کلاسیک) در هنر رنسانس نمادی از »تولد دوباره» و پیروزی مسیحیت بر دنیای بت‌پرستی و همچنین

فروپاشی امپراتوری روم است. این ویرانه‌ها نشان‌دهنده جهان قدیمی و کهن هستند که با ظهور مسیح جایگاه خود را از دست داده‌اند.

۳ .غلام با پوست تیره و تاج :در نقاشی، یک خدمتکار آفریقایی‌تبار (که معمولاً به عنوان نمادی از خاستگاه شرقی و آفریقایی مغان یا به عنوان نشانه‌ای از تنوع نژادی جهان آن زمان به تصویر کشیده می‌شود) در حال برداشتن تاج از سر جوان‌ترین مغ (مجوس) است. این جزئیات به‌طور تاریخی بسیار دقیق است، زیرا مغان (سه مرد خردمند) در سنت مسیحی نماد سه قاره مختلف جهان (اروپا، آسیا و آفریقا) بودند.

همچنین جالب است بدانید که در این تابلوی خاص، خود اعضای خانواده تورنابوونی (از جمله جووانی و پدرش) به عنوان مغان و همراهانشان در سمت چپ تصویر حضور دارند؛ کاری که در آن دوران برای ثبت چهره حامیان مالی (پترون‌ها) در نقاشی‌های مذهبی بسیار رایج بود

تأمل: *گیرلاندایو، مانند بسیاری از هم‌عصرانش، چهرهٔ خود را در گوشه‌ای از این ازدحام جای داد نگاهی مستقیم به تماشاگر، گویی می‌گوید: «من هم اینجا هستم». این خواستِ دیده‌شدن در داستان مسیح، همان خواستی است که این کتابچه در پی آن است: نه برای افتخار، بلکه برای بازیافتن جایگاهی که ایران، به‌عنوان نخستین ملتِ غیریهودی که مسیح را شناخت، از دیرباز داشته اما فراموش کرده است.*

جزئیات: جزئیات: تمپرا روی پنل چوبی | قطر ۱۷۲ سانتی‌متر | گالری اوفیتسی، فلورانس، ایتالیا

7. پرستش مغان (تُندوی تورنابوونی)

دومنیکو گیرلاندایو (Domenico Ghirlandaio) — ایتالیا | حدود ۱۴۸۸ میلادی



[دانلود تصویر با کیفیت بالا (Wikimedia Commons) ←]

این اثر که از نظر ابعاد و شکوه، بسیار بزرگ‌تر و رسمی‌تر از تُندوی تورنابوونی است، برای محراب اصلی کلیسای اسپداله دِلی اینوچنتی (نخستین یتیم‌خانه‌ی فلورانس) سفارش داده شد. در ۲۸ اکتبر ۱۴۸۵، فرانچسکو دی جووانی تسورِی، رئیس این یتیم‌خانه، با گیرلاندایو قراردادی دقیق و جزئیات‌محور برای اجرای این سفارش منعقد کرد. در بخش فوقانی صحنه، چهار فرشته

در حالی که کارتوشی حاوی نُت‌های موسیقی و آغاز سرود ستایش‌آمیز «گلوریا» را در دست دارند، بر فراز بام آسمان‌نما ظاهر شده‌اند. گیرلاندایو با مهارتی چشمگیر، در گوشه‌ی چپ پیش‌زمینه، اهداکننده‌ی اثر (با ردای سیاه) و همچنین چهره‌ی خودِ نقاش را جای داده است؛ چهره‌ای که با نگاهی مستقیم به تماشاگر، از قاب نقاشی فراتر می‌رود.

تأمل: *این تابلو برای یتیم‌خانه‌ای نقاشی شد جایی برای کودکانی بی‌خانواده و بی‌پناه. گیرلاندایو، با آگاهی از این مکان، صحنه‌ای کشید که در آن، طفلی الهی توسط غریبه‌هایی از سرزمینی دور پذیرفته و پرستیده می‌شود؛ درست همان‌طور که کودکان این یتیم‌خانه، بدون پیوند خونی، در آغوش مراقبت جای می‌گرفتند. ایرانیِ راستین نیز، در سفر ایمانش، گاه احساس بی‌خانمانی می‌کند دور از سرزمین، دور از سنت‌های آشنا. اما همان‌طور که این تابلو یادآوری می‌کند، در برابر مسیح، هیچ‌کس واقعاً یتیم نیست؛ همه در خانواده‌ای تازه پذیرفته می‌شوند.*

جزئیات: تمپرا روی پنل چوبی | ۲۸۵ × ۲۴۳ سانتی‌متر | گالری اسپدالهٔ دلی اینوچنتی، فلورانس، ایتالیا

✦

بخش سوم

نبوغ لئوناردو و لیپی

دو اثر ماندگار برای یک کلیسا

8. پرستش مغان — لئوناردو داوینچی (۱۴۸۱–۱۴۸۲ میلادی)
9. پرستش مغان (سان دوناتو در اسکوپتو) — فیلیپینو لیپی (۱۴۹۶ میلادی)

8. پرستش مغان

لئوناردو داوینچی (Leonardo da Vinci) — ایتالیا | **۱۴۸۲–۱۴۸۱ میلادی**

لئوناردو داوینچی — پرستش مغان (۱۴۸۱–۱۴۸۲ میلادی)



دانلود تصویر با کیفیت بالا (Wikimedia Commons)

این یکی از نخستین آثار سفارشی لئوناردو داوینچی است، اما ناتمام مانده است. لئوناردو در سال ۱۴۸۱ این سفارش را از راهبان آگوستینی کلیسای سان دوناتو در اسکوپتو (نزدیک فلورانس) دریافت کرد، اما سال بعد برای دربار لودوویکو اسفورزا به میلان رفت و تابلو را ناتمام گذاشت. ترکیب‌بندی بسیار پیچیده و نیم‌دایره‌ای است: مریم و طفل در مرکز، و مغان زانو زده در پیش‌زمینه. پس‌زمینه با ساختمان‌های ویران و نبرد سوارکاران، فضایی رؤیایی و ویژهٔ لئوناردو ایجاد کرده است. در سمت چپ، ساختمانی شبیه معبد با پله‌هایی دیده می‌شود که نماد صلح است و با هرج‌ومرج اسب‌های نبرد در سمت دیگر تضاد دارد. پس از مرمت گسترده بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷، خطوط زغالی و جوهری لئوناردو به‌وضوح دیده می‌شوند.

> **تأمل:** *سفر ایمان هیچ‌گاه «تمام» نمی‌شود. لئوناردو نتوانست این تابلو را به پایان برساند، اما آنچه کشیده بود کافی بود تا نسل‌ها را به تعمق وادارد. ایمان ما نیز ناتمام است — تا روزی که مسیح را رویاروی ببینیم. اما در همین ناتمامی، نوری هست که راه را نشان می‌دهد. خطوط زغالی و جوهری لئوناردو، شبیه نمازهای ناگفتهٔ دل ما هستند: ناتمام، اما مقدس.*

جزئیات: زغال، مرکب آبرنگ و رنگ‌روغن روی چوب | ۲۴۴ × ۲۴۰ سانتی‌متر | گالری اوفیتسی، فلورانس، ایتالیا

9. پرستش مغان (سان دوناتو در اسکوپتو)

فیلیپینو لیپی (Filippino Lippi) — ایتالیا | **۱۴۹۶ میلادی**

فیلیپینو لیپی — پرستش مغان (سان دوناتو در اسکوپتو) (۱۴۹۶ میلادی)



دانلود تصویر با کیفیت بالا (Wikimedia Commons)

»این اثر که *پرستش مغان* (ستایش مجوس) نام دارد، توسط فیلیپینو لیپی برای جایگزینی تابلو ناتمام لئوناردو داوینچی در صومعهٔ سان دوناتو در اسکوپتو (فلورانس) تکمیل شد.

ترکیب‌بندی این نقاشی بسیار پرجمعیت و شلوغ است و برخلاف آثار هم‌دوره‌اش، شناخت سه پادشاه در ازدحام جمعیت دشوار است. طفل عیسی در آغوش مادرش نشسته و هدیهٔ نخستین پادشاه را در دست دارد. در میان همراهان مغان، مردی با ردای زرد فاخر توجه را جلب

می‌کند که اسطرلاب (ابزار نجومی) در دست دارد؛ این شخص نمادی از دانش ستاره‌شناسی مغان است و چهره‌اش به پیر فرانچسکو د مدیچی شباهت دارد. علاوه بر او، لورنزو و جووانی (اعضای خاندان مدیچی و برادران پیر فرانچسکو) نیز در صحنه شناسایی شده‌اند.

صحنه در یک منظرهٔ روستایی و در مقابل آغوشگاهی چوبی که ستارهٔ بیت‌لحم بر فراز آن می‌درخشد، قرار گرفته است. در پس‌زمینه، روایت‌های فرعیِ سفر مغان — از رصد ستاره در کوهستان تا عبور از کاخ هیرودیس و رسیدن به بیت‌لحم — به‌صورت موازی به تصویر کشیده شده است. این تابلو امروزه در گالری اوفیتزی فلورانس نگهداری می‌شود .

> **تأمل:** *ستاره‌شناسی هدیهٔ ایران به جهان بود. مغانان با دانش نجومی خویش، ستارهٔ مسیح را شناختند. ایرانیِ راستین آن کسی است که می‌فهمد دانش و خرد، وقتی در خدمت جستجوی حقیقت باشد، ابزاری برای یافتن مسیح می‌شود. اسطرلاب در دست آن مرد، نماد این است که خدا از همان ابتدا خرد ایرانی را برای شناختن پسر خود به کار گرفت.*

جزئیات: تمپرا روی چوب | ۲۵۸ × ۲۴۳ سانتی‌متر | گالری اوفیتسی، فلورانس، ایتالیا

✦

بخش چهارم

رنسانس شمالی

هنرمندان فلاندر و آلمان

10. پرستش مغان (تریپتیک بلادلین) – روخیر فان در ویدن (حدود ۱۴۵۰-۱۴۴۵ میلادی)
11.پرستش مغان – هوگو فان در خوس (حدود ۱۴۷۰ میلادی)
12. پرستش مغان — هیرونیموس بوش (حدود ۱۴۷۵ میلادی)
13. تریپتیک پرستش مغان — هیرونیموس بوش (حدود ۱۴۹۴ میلادی)

10. پرستش مغان

روخیر فان در ویدن – Rogier van der Weyden (تریپتیک بلادلین) | حدود ۱۴۵۰-۱۴۴۵ میلادی



[دانلود تصویر با کیفیت بالا (Wikimedia Commons)](#)

این سه‌لتی (تریپتیک) که توسط پیتر بلادلین، مقام عالی‌رتبهٔ دربار بورگوندی، سفارش داده شد، یکی از نفیس‌ترین آثار رنسانس شمالی است. روخیر فان در ویدن با ظرافتی حیرت‌انگیز، سه صحنه از زندگی مسیح را در یک قاب واحد به هم پیوند می‌زند. در بخش چپ، بشارت فرشته به مریم؛ در بخش مرکزی، پرستش مغان با ستاره‌ای دنباله‌دار در آسمان؛ و در بخش راست، ارائهٔ مسیح در معبد دیده می‌شود. چیزی که این اثر را متمایز می‌کند، انسجام معماری و یکپارچگی نورپردازی است؛ گویی هر سه صحنه در یک لحظه و در یک مکان در حال رخ دادن‌اند. به حضور پیتر بلادلین به عنوان شوالیه‌ای زره‌پوش در بخش مرکزی دقت کنید؛ او خود را در کنار مغان جای داده تا نشان دهد در راز الهی سهیم است.

تأمل: *سه بخش این تابلو، سه مرحلهٔ سلوک انسانی است: بخش چپ (بشارت) لحظهٔ بیداری و شنیدن ندای الهی است؛ بخش مرکزی (پرستش) لحظهٔ زانو زدن در برابر حقیقت است؛ و بخش راست (تقدیم) لحظهٔ بخشیدن آن یافته به تمام بشریت است. روخیر نشان می‌دهد که پرستش واقعی نه در شکوه ظاهری، بلکه در تسلیمِ خاموشِ قلب است. ایرانی راستین نیز پیش از آنکه به دنبال شکوه یا اثبات هویت باشد، باید همان زانوزدنِ ساده و صادقِ مغان را در دل داشته باشد و بداند که این سفر از ستارهٔ بیت‌لحم آغاز می‌شود و در صلیب کالواری به کمال می‌رسد.*

جزئیات :رنگ روغن روی پنل چوبی | سه‌لتی | پیناکوتک کهن، مونیخ، آلمان

11. پرستش مغان

هوگو فان در خوس (Hugo van der Goes) — فلاندر | حدود ۱۴۷۰ میلادی



دانلود تصویر با کیفیت بالا (Wikimedia Commons) ←

این تابلو، که زمانی بخش مرکزی یک تریپتیک بزرگ‌تر بود (بال‌های آن اکنون از میان رفته‌اند)، یکی از تأثیرگذارترین آثار نقاشی فلاندری بر سنت پرستش مغان در سراسر اروپاست. فان در خوس در این اثر، به‌جای شکوه و تجمل رایج در تصویرگری‌های این موضوع، بر واقع‌گرایی احساسی عمیق تمرکز کرده: چهره‌های مغانان غرق در تعمقی روحانی و صادقانه‌اند، نه نمایشی رسمی. مغِ زانوزده، تاج خود را که با پوست‌های حیوانی تزئین شده، بر زمین گذاشته و ظرفی پر از سکه‌های طلا در کنار او دیده می‌شود. یوسف، پشت سر مریم، با حالتی متحیر به آنها اشاره می‌کند. این اثر تأثیر مستقیمی بر نقاشانی چون یان خوسارت داشت و از طریق تجارت پورتیناری خانواده به ایتالیا راه یافت و بر نسل بعدی نقاشان فلورانسی — از جمله گیرلاندایو — اثر گذاشت.

تأمل: *در این تابلو، برخلاف بسیاری از نسخه‌های دیگر، شکوه پادشاهی جای خود را به سکوتی درونی می‌دهد. مغانان اینجا نه در حال نمایش قدرت، بلکه در حال دست‌وپنجه نرم‌کردن با رازی هستند که فراتر از فهم آنهاست. این، شاید نزدیک‌ترین تصویر به تجربهٔ واقعی نیاکان ما باشد: نه اطمینانی آسان، بلکه تعمقی سنگین و صادقانه در برابر رازی که زندگی‌شان را برای همیشه تغییر داد. ایرانیِ راستین نیز، در سفر ایمانش، بیشتر به این تعمق ساکت شبیه است*

تا به شکوهی نمایشی لحظه‌ای که انسان در سکوت، حقیقتی را می‌پذیرد که نمی‌تواند کاملاً توضیح دهد.

جزئیات: جزئیات: رنگ‌روغن روی پنل بلوط | ۱۴۷ × ۲۴۲ سانتی‌متر | گمالده‌گالری، برلین، آلمان

12. پرستش مغان

هیرونیموس بوش (Hieronymus Bosch) — هلند | **حدود ۱۴۷۵ میلادی**

هیرونیموس بوش — پرستش مغان (حدود ۱۴۷۵ میلادی)



دانلود تصویر با کیفیت بالا (Wikimedia Commons)

این صحنهٔ آرام با چشم‌اندازی تونلی و چهره‌های حساس، ویژگی آثار اولیهٔ بوش است پیش از آنکه به سمت صحنه‌های مشهور جهنمی خود برود. صحنه نمایشی است که پرده‌ای توسط فرشتگان بالا نگه داشته شده، شاید تحت تأثیر نمایش‌های مذهبی شهر زادگاهش. سه مغان به‌وضوح از یکدیگر متمایز شده‌اند تا مناطق مختلف جهان را نمایندگی کنند. پادشاه سیاه‌پوست به‌طور برجسته و با لباس‌های پرزرق‌وبرق به تصویر کشیده شده است: کلاهی پر از پر با تاج، گردنبند طلا و کمربند طلا با شمشیر ترکی منحنی و سپر جواهرنشان. این اثر در موزهٔ متروپولیتن نیویورک نگهداری می‌شود.

تأمل: *مغانان نمایندگان جهان بودند: شرق، غرب، شمال، جنوب. پادشاه سیاه‌پوست نماد این است که مسیح برای همهٔ ملل آمده است نه فقط برای یهودیان، نه فقط برای ایرانیان، بلکه برای تمام بشریت. ایرانیِ راستین آن کسی است که می‌فهمد ایمان مسیحی مرزهای قومی را درمی‌نوردد؛ ما نه فرهنگ خود را انکار می‌کنیم و نه آن را بت می‌سازیم، بلکه در مسیح بخشی از خانواده‌ای جهانی می‌شویم.*

جزئیات: رنگ‌روغن و طلا روی بلوط | ۷۱ × ۵۶ سانتی‌متر | موزهٔ متروپولیتن، نیویورک، آمریکا

13. تریپتیک پرستش مغان

هیرونیموس بوش (Hieronymus Bosch) — هلند | **حدود ۱۴۹۴ میلادی**

هیرونیموس بوش — تریپتیک پرستش مغان (حدود ۱۴۹۴ میلادی)



دانلود تصویر با کیفیت بالا (Wikimedia Commons)

این تریپتیک (تابلوی سه‌لته) موضوع ظهور منجی را نشان می‌دهد. وقتی بسته است، درهای بیرونی مراسم «عشای ربانی» و هفت صحنه از مصائب مسیح را نشان می‌دهند که با مصلوب‌شدن بر فراز کوه کالواری در بالا به اوج می‌رسد. وقتی باز است، مریم با عیسی بر روی زانو در مرکز دیده می‌شود. بال سمت چپ اهداگر پیتر شایفو را با حمایت پطرس نشان می‌دهد و بال سمت راست همسر دومش آگنس دو گرام را با حمایت آگنس .هدایا و لباس‌های مغانان با صحنه‌هایی از عهد عتیق تزئین شده‌اند: قربانی اسحاق، ملکهٔ سبا که هدایا را به سلیمان تقدیم می‌کند، و بشارت تولد سامسون .شخصیت دجال در ورودی آغوشگاه، یکی از رمزآلودترین عناصر این اثر است .این اثر در موزهٔ دل پرادوی مادرید نگهداری می‌شود .

تأمل: *تولد مسیح و مرگ مسیح دو روی یک سکه‌اند. هدایای مغانان — طلا، کندر، مرّ — هر سه به صلیب اشاره دارند: طلا، پادشاهی‌ای که از راه صلیب به دست می‌آید؛ کندر، خدایی که تا مرگ فرو می‌آید؛ مرّ، تدفینی که به رستگاری می‌انجامد. ایرانیِ راستین آن کسی است که می‌فهمد سفر ایمان از ستارهٔ بیت‌لحم آغاز می‌شود، اما در صلیب کالواری به کمال می‌رسد.*

جزئیات: رنگ‌روغن روی پنل | ۱۳۸ × ۷۲ سانتی‌متر (پنل مرکزی) | موزهٔ دل پرادو، مادرید، اسپانیا

✦

بخش پنجم

دورر و مانته‌گنا

دقت آلمانی و قدرت ایتالیایی

14. پرستش مغان — آلبرشت دورر (۱۵۰۴ میلادی)
15. پرستش مغان — آندریا مانته‌گنا (حدود ۱۵۰۰ میلادی)
16.پائولو ورونزه – پرستش مغان (حدود ۱۵۷۳ میلادی)

14. پرستش مغان

آلبرشت دورر (Albrecht Dürer) — آلمان | **۱۵۰۴ میلادی**

آلبرشت دورر — پرستش مغان (۱۵۰۴ میلادی)



دانلود تصویر با کیفیت بالا (Wikimedia Commons)

این اثر یکی از بزرگ‌ترین آثار دورر پس از نخستین سفر او به ایتالیا محسوب می‌شود. ترکیب‌بندی حول محور «پادشاه سوم» — مردی با پوست تیره در سمت راست — سازمان‌دهی شده است که با نگاه خود بیننده را درون تابلو هدایت می‌کند. برخلاف بیشتر آثار رنسانس، پس‌زمینه از یک منظرهٔ طبیعی به‌جای معماری ساخته‌شده تشکیل شده است. دورر که به خودنگاری‌هایش مشهور بود، پادشاه دوم را به‌صورت مردی با ریش و موی بلند نقاشی کرده است که شباهتی به چهرهٔ خود او دارد. این تابلوی کوچک (کمتر از یک متر) در سال ۱۶۰۳ توسط الکتور مسیحیان دوم ساکسونی به‌عنوان هدیه به امپراتور مقدس روم، رودولف دوم، تقدیم شد.

تأمل: *بزرگ‌ترین شگفتی انجیل این است که خداوند، شما و من را با تمام نقص‌ها و زیبایی‌هایمان به جایگاه مغان دعوت می‌کند. دورر خود را در جایگاه یکی از پادشاهان نقاشی*

> *کرد؛ او نه فقط نقاشی می‌کشید، بلکه خود را در داستان وارد می‌کرد. ایرانیِ راستین آن کسی است که می‌فهمد ایمان فقط باور به یک حقیقت دور نیست؛ ایمان ورود به یک داستان است داستانی که در آن ما، با هویت ایرانی خود، در برابر مسیح زانو می‌زنیم.*

جزئیات: رنگ‌روغن روی چوب | ۱۰۰ × ۱۱۴ سانتی‌متر | موزهٔ تاریخ هنر، وین، اتریش

15. پرستش مغان

آندریا مانته‌گنا (Andrea Mantegna) — ایتالیا | **حدود ۱۵۰۰ میلادی**

آندریا مانته‌گنا — پرستش مغان (حدود ۱۵۰۰ میلادی)



← دانلود تصویر با کیفیت بالا (Wikimedia Commons)

مانته‌گنا با سبک سنگی و مجسمه‌وار خود، صحنه‌ای از پرستش مغان را خلق کرده است که به آثار مجسمه‌سازی رومی شباهت دارد. او از دیستمپر (رنگ حل‌شده در چسب) روی کرباس کتانی استفاده کرده که سطحی مات و سنگی ایجاد می‌کند. سه مغان با لباس‌های شرقی و کلاه‌های مخروطی (فریژی) به تصویر کشیده شده‌اند. تمرکز بر تن‌های عضلانی و ژست‌های دراماتیک، ویژگی بارز سبک مانته‌گناست. این اثر در موزهٔ گتی لس‌آنجلس نگهداری می‌شود.

تأمل: *سطح سنگی و مجسمه‌وار این اثر یادآور سنگ‌فرش‌های تخت جمشید استجایی که شاهان ایران بر سنگ، تاریخ خود را حک کردند. اما مانته‌گنا یادآوری می‌کند که سنگ‌های تاریخ، وقتی در برابر نور مسیح قرار می‌گیرند، زنده می‌شوند. ایرانیِ راستین آن کسی است که می‌فهمد تاریخ ایران — از کوروش تا امروز — سنگی است که خداوند می‌تواند بر آن نام تازه‌ای بنویسد.*

جزئیات: دیستمپر روی کرباس کتانی | ۵۵ × ۷۱ سانتی‌متر | موزهٔ گتی، لس‌آنجلس، آمریکا

16. پرستش مغان

پائولو ورونزه — (Paolo Veronese) ایتالیا | حدود ۱۵۷۳ میلادی



دانلود تصویر با کیفیت بالا (Wikimedia Commons) ←

این اثر، یکی از درخشان‌ترین نمونه‌های مکتب نقاشی ونیز در اواخر رنسانس (سبک مانیه‌ریسم) است. ورونزه این تابلوی بزرگ را برای کلیسای سان سیلوستروی ونیز نقاشی کرد — نه به‌عنوان یک آلتارپیس، بلکه تابلویی برای دیوار کنار محراب انجمن برادری سنت یوسف. صحنه در برابر ویرانه‌های یک بنای عظیم کلاسیک رومی با طاق پیروزی در پس‌زمینه رخ می‌دهد. پرتوی نور آسمانی، همراه با فرشتگانی که در آن پرواز می‌کنند، از بالا بر مسیح می‌تابد و با قطر مورب شکل‌گرفته از پیکرهای در حال پرستش، تقاطعی می‌سازد که مریم و طفل عیسی

درست در محل تلاقی آن نشسته‌اند. یوسف، که چندان در مرکز توجه صحنه نیست، در بالای این ترکیب‌بندی، آویزان از لبه‌ای بالای گاو، دیده می‌شود. ورونزه سه مغ را — همچون بسیاری از شخصیت‌های تاریخی در آثارش — با ردایی به سبک اشراف معاصر ونیزی، اما هزاران بار پرشکوه‌تر و خیال‌پردازانه‌تر از آنچه واقعاً پوشیده می‌شد، به تصویر کشیده است.

تأمل: *ورونزه صحنهٔ پرستش را به تئاتری باشکوه از نور و رنگ تبدیل کرده، جایی که آسمان و زمین در یک پرتو واحد به هم می‌رسند. مغان با شکوهی که از دنیای اشرافی ونیز وام گرفته‌اند می‌آیند، اما این شکوه در برابر نوری که از فراز طاق ویرانهٔ روم می‌تابد، رنگ می‌بازد. ایرانیِ راستین نیز آن کسی است که می‌فهمد هر شکوهی — هرقدر هم فاخر و رنگارنگ — تنها در پرتوی نوری که از آسمان می‌تابد معنا می‌یابد؛ و در محل تلاقیِ غرورِ زمینی و فروتنیِ آسمانی است که او نیز، مانند مغان، زانو می‌زند.*

جزئیات: رنگ‌روغن روی بوم | ۳۵۵٫۶ × ۳۲۰ سانتی‌متر | نگارخانهٔ ملی، لندن، انگلستان

✦

بخش ششم

عصر باروک

نور، سایه و شکوه

17. پرستش مغان — دیه‌گو ولاسکز (۱۶۱۹ میلادی)
18. پرستش مغان (نسخهٔ پرادو) — پیتر پل روبنس (۱۶۰۹؛ بازنگری ۱۶۲۸–۱۶۲۹)

17. پرستش مغان

دیه‌گو ولاسکز (Diego Velázquez) — اسپانیا | **۱۶۱۹ میلادی**

دیه‌گو ولاسکز — پرستش مغان (۱۶۱۹ میلادی)



دانلود تصویر با کیفیت بالا (Wikimedia Commons)

این اثر یکی از بزرگ‌ترین آثار اولیهٔ ولاسکز است و احتمالاً به‌عنوان یک آلتارپیس طراحی شده است. سه مغان — کاسپار (زانو زده پیش مریم)، بالتازار (با ردای قرمز)، و ملکیور (ریش‌دار و میان دو نفر دیگر) — هدایای خود را تقدیم می‌کنند. یوسف بر شانهٔ چپ مریم دیده می‌شود. نوری نرم و گرم از سمت چپ تابلو می‌تابد که یادآور نور شمع است. منظرهٔ تاریک پس‌زمینه، لحظه‌ای از غروب یا سحرگاه را نشان می‌دهد. نور روشن‌تر بر روی مریم و عیسی می‌تابد که تمرکز اصلی اثر هستند و ممکن است پاکی روحانی را نمایندگی کنند. گفته می‌شود برخی از

شخصیت‌ها شباهتی به اعضای خانوادهٔ ولاسکز دارند: پادشاه ریش‌دار شبیه پدرزنش فرانسیسکو پاچکو است و مریم شباهتی به همسرش دارد.

> **تأمل:** *نور مسیح شمعی نیست که در باد خاموش شود. در تاریک‌ترین لحظه‌های تاریخ ایران، نوری نرم اما پایدار می‌درخشد. ایرانیِ راستین آن کسی است که در تاریکی، نور را می‌بیند. ولاسکز یادآوری می‌کند که واقع‌گراییِ ایمان یعنی نگاه‌کردن به تاریکیِ جهان بدون ترس، چون می‌دانیم نور مسیح تاریکی را روشن می‌کند.*

جزئیات: رنگ‌روغن روی بوم | ۲۰۳ × ۱۲۵ سانتی‌متر | موزهٔ دل پرادو، مادرید، اسپانیا

18. پرستش مغان (نسخهٔ پرادو)

پیتر پل روبنس (Peter Paul Rubens) — فلاندر | **۱۶۰۹؛ بازنگری ۱۶۲۸–۱۶۲۹**

پیتر پل روبنس — پرستش مغان (نسخهٔ پرادو) (۱۶۰۹؛ بازنگری ۱۶۲۸–۱۶۲۹)



دانلود تصویر با کیفیت بالا (Wikimedia Commons)

این تابلو، «پرستش مجوس» اثر پیتر پل روبنس، یکی از مهم‌ترین شاهکارهای مجموعهٔ پرادو به‌شمار می‌رود، نه‌تنها به‌خاطر ابعاد عظیم و شکوه باروک آن، بلکه به‌دلیل اهمیت تاریخی و فنی در هنر نقاشی .سه پادشاه با موکبی باشکوه، هدایای خود را به طفل عیسی تقدیم می‌کنند. طفل در آغوش مادرش، به‌نظر می‌رسد با کندر (بخور) ارائه‌شده توسط گاسپار (پادشاه زانو زده در جلو) بازی می‌کند. صحنه در فضای باز و در کنار ویرانه‌هایی قرار دارد که در سمت چپ به معماری کلاسیک بدل شده‌اند. رداهای گران‌بها و پر از سنگ‌های قیمتی پادشاهان، به‌ویژه زینت‌های پیچیدهٔ بالتازار، شگفتی بیننده را برمی‌انگیزد.

اما نکتهٔ بسیار جذاب این اثر، حضور هوشمندانهٔ خود نقاش است .اگر به سمت راست تابلو و پشت سر پادشاهان و سوارکاران نگاه کنید، روبنز چهرهٔ خود را با همان ریش بلند و موهای مجعد معروف، پوشیده در ردای آبی تیره، به تصویر کشیده است؛ او درست مانند مجوسان، چشم در چشم بیننده دوخته و گویی مخاطب را به میانهٔ این شور مذهبی دعوت می‌کند .این

حضور، نشانهٔ جسارت هنری اوست که نمی‌خواهد فقط ناظر بیرونی داستان مسیح باشد، بلکه خود را نیز بخشی از کاروان پرستش می‌داند.

روبنز سال‌ها بعد، این اثر را برای کلیسای سنت جان در ملخن بازنگری کرد و تغییرات قابل‌توجهی در آن ایجاد نمود. این تابلو ابتدا برای تالار شهر آنتورپ سفارش داده شده بود و امروز در موزهٔ دل پرادوی مادرید نگهداری می‌شود.

> **تأمل:** *روبنس نشان می‌دهد که شکوه واقعی در فروتنی است. امپراتوری‌های بزرگ — از هخامنشیان تا ساسانیان — با شکوه آمدند و رفتند. اما شکوهی که در برابر مسیح زانو می‌زند، جاودانه است. ایرانیِ راستین آن کسی است که می‌فهمد عظمت ایران در گذشتهٔ سیاسی‌اش نیست، بلکه در آینده‌ای است که مسیح برای او می‌سازد. روبنس این اثر را سال‌ها بعد بازنگری کرد؛ خداوند نیز زندگی ما را «بازنگری» می‌کند — نه تا هویت ما را محو کند، بلکه تا آن را در نور خود جاودانه سازد.*

جزئیات: رنگ‌روغن روی بوم | ۳۴۹ × ۴۸۸ سانتی‌متر | موزهٔ دل پرادو، مادرید، اسپانیا

✦

بخش هفتم

روبنس و رامبراند

شکوه فلاندر و عمق هلند

19. پرستش مغان (نسخهٔ کینگز کالج) — پیتر پل روبنس (۱۶۲۴–۱۶۲۵ میلادی)
20. پرستش مغان — رامبراند وان رین (حدود ۱۶۳۲–۱۶۳۳ میلادی)

19. پرستش مغان (نسخهٔ کینگز کالج)

پیتر پل روبنس (Peter Paul Rubens) — فلاندر | **۱۶۲۴–۱۶۲۵ میلادی**

پیتر پل روبنس — پرستش مغان (نسخهٔ کینگز کالج) (۱۶۲۴–۱۶۲۵ میلادی)



دانلود تصویر با کیفیت بالا (Wikimedia Commons)

این تابلوی بسیار بزرگ (۴٫۴۷ × ۳٫۳۶ متر) یکی از مشهورترین آثار روبنس است. در سال ۱۹۵۹، این اثر با قیمت ۲۷۵ هزار پوند (رکورد جهانی آن زمان) در حراجی ساتبیز فروخته شد. به‌خاطر اندازهٔ غول‌آسا، برای ورود به ساختمان حراجی، مجبور به بریدن کف گالری شدند! این اثر ابتدا برای صومعهٔ راهبان آگوستینی در لوان بلژیک نقاشی شده بود و سپس توسط آقای آلنات به کالج کینگز کمبریج اهدا شد. مریم عیسی را به تماشاگران و مغانان نشان می‌دهد. روبنس با رنگ‌های گرم و پوست‌های درخشان، شکوه باروک را به اوج رسانده است.

> **تأمل:** *گاهی برای ورود نور به زندگی، باید سقف‌هایی را شکست: سنت‌ها، تعصبات، دیوارهایی که خود ساخته‌ایم. مغانان از مرزهای جغرافیایی و فرهنگی خود گذشتند تا به مسیح برسند. ایرانیِ راستین آن کسی است که می‌پذیرد گاهی باید «کف گالری» را برید — یعنی ساختارهای فکری کهنه را بشکند — تا نور مسیح وارد شود.*

جزئیات: رنگ‌روغن روی پنل | ۴۴۷ × ۳۳۶ سانتی‌متر | کالج کینگز، کمبریج، انگلستان

20. پرستش مغان

رامبراند وان رین (Rembrandt van Rijn) — هلند | **حدود ۱۶۳۲–۱۶۳۳ میلادی**

رامبراند وان رین — پرستش مغان (حدود ۱۶۳۲–۱۶۳۳ میلادی)



دانلود تصویر با کیفیت بالا (Wikimedia Commons)

این اثر تازه‌کشف‌شدهٔ رامبراند، یکی از هیجان‌انگیزترین کشفیات هنری سال‌های اخیر است. این تابلوی کوچک (۵۴ × ۴۴ سانتی‌متر) سال‌ها به‌عنوان یک کپی شناخته می‌شد تا اینکه در سال ۲۰۱۶، هنگامی که از دیوار خانهٔ صاحبانش در رم افتاد و آسیب دید، برای مرمت فرستاده شد. مرمت‌گر متوجه شد که این اثر اصل است، نه کپی. آکادمی فرانسه در رم در ژوئن ۲۰۲۱ اصالت آن را تأیید کرد. این اثر احتمالاً مطالعه‌ای برای مجموعه‌ای از چاپ‌ها دربارهٔ زندگی و مصائب مسیح بوده است. رامبراند با نوردهیِ دراماتیک (chiaroscuro) خود، لحظه‌ای از تاریکی به نور را به تصویر کشیده است: لحظه‌ای که انسان برای نخستین بار با عیسی روبه‌رو شد.

> **تأمل:** *گاهی باید چیزی بشکند تا حقیقت آشکار شود. این تابلو شبیه به جانِ ماست: سال‌ها فراموش‌شده، نادیده‌گرفته‌شده، در گوشه‌ای از دیوار آویزان بوده‌ایم. اما وقتی به زمین می‌افتیم — وقتی شکست می‌خوریم — خداوند دستِ مرمت‌گر خود را به سوی ما دراز می‌کند. ایرانیِ راستین آن کسی است که می‌فهمد شکست آغاز شفاست. آیا شما آماده‌اید که از دیوار فرو بیفتید و دوباره ساخته شوید؟*

جزئیات: رنگ‌روغن روی کاغذ روی بوم | ۵۴ × ۴۴ سانتی‌متر | مجموعهٔ خصوصی، رم، ایتالیا

تأملِ پایانی: از تماشا تا حضور

این نقاشی‌ها را هنرمندانِ اروپایی کشیده‌اند، اما در لابه‌لایِ رنگ‌ها و قلم‌موها، نشانه‌هایی از حکمت، فروتنی و دانشِ شرق –که میراثِ ماست – به جا مانده است. شگفتیِ بزرگ این است که درست در همان جزئیاتی که به نظرِ بی‌اهمیت می‌آیند یک اسطرلاب در دستِ مردی با ردای زرد، یک ردای نارنجی که یادآور آتشِ آتشکده‌هاست، تاجی که از سرِ جوان‌ترین مغ برداشته می‌شود تا نمادِ فروتنیِ سه قاره باشد دعوتِ خدا برای بازگشت نهفته است.

اما اینجا، حقیقتی تلخ و در عین حال روشنگر وجود دارد: ما در تمام این قرن‌ها، فقط تماشاگر بودیم. اروپاییان، چهرهٔ پادشاهان و بانکدارانِ خودشان را در داستانِ ما جای دادند؛ مدیچی‌ها به جای مغان زانو زدند، دورر خود را در میانِ پادشاهان نقاشی کرد، و بوش لباس‌های پرزرق‌وبرق را برای غرور و نمایش آفرید. اما ما ایرانیانِ هرگز قلم‌مویی برنداشتیم تا این «سفرِ گمشده» را از نگاهِ خودمان روایت کنیم.

امروز، نوبتِ بازگشت است؛ نه بازگشت به گذشته، بلکه بازگشت به سرآغازِ آن سفرِ گم‌شده. ما برای یافتنِ هویت خود، دیگر به قابِ نقاشی‌های اروپایی‌ها خیره نمی‌شویم؛ آن‌ها چهرهٔ خود را در داستانِ ما نشاندند، اما ما چهرهٔ گمشدهٔ خود را در آینهٔ انجیل جست‌وجو می‌کنیم. این بار، قرار نیست نقاشی بکشیم؛ بلکه خودِ ما باید بومِ خدا باشیم.

پس ای وارثِ مغان، برخیز!

تماشا به پایان رسیده است. این بار، خودْ واردِ قاب شو و با همان زانویِ فروتنِ نخستین مغان، در برابرِ نوری که از بیت‌لحم تا به امروز می‌تابد، سر فرود آور. چرا که تو برای این لحظه آفریده شده‌ای: نه برای آنکه در حسرتِ گذشته بسوزی، بلکه برای آنکه در نورِ مسیح، تمامِ آنچه ایران در آرزویِ آن بود، بیابی.